



**SEMINAR FOR MEMBERS OF
THE NATIONAL ASSEMBLY OF AFGHANISTAN**

on

**REVIEWING AND RESPONDING TO LEGISLATION
FROM A GENDER-SENSITIVE PERSPECTIVE**

presented by

UNITED NATIONS DEVELOPMENT FUND FOR WOMEN (UNIFEM)

in cooperation with

**AFGHANISTAN RULE OF LAW PROJECT (ARoLP) /
UNITED STATES AGENCY FOR INTERNATIONAL DEVELOPMENT (USAID)**

29 & 30 May 2007 (8 & 9 Jawza 1386)

**سیمینار برای اعضای
شورای ملی افغانستان**

در مورد

بازبینی و پاسخ

به اسناد تقنینی از نظر موضوعات حساس متعلق به جنسیت (جندر)

تهیه و تقدیم

صندوق وجهی انکشافی ملل متحد برای زنان (UNIFEM)

در همکاری با

**پروژه امور عدلی و قضایی افغانستان / اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا
(USAID)**

۸ و ۹ جوزای ۱۳۸۶ (۲۹ و ۳۰ می سال ۲۰۰۷)

[English–Dari version]

Materials prepared by: Mark Hamilton
Senior Attorney / Legislative Drafting Specialist
Translated by: Afghanistan Rule of Law Project
(ARoLP) / USAID

تهیه مواد توسط: مارک هامیلتون، حارنوال ارشد و
متخصص تسوید قوانین
ترجمه مواد توسط: پروژه امور عدلی و قضایی
افغانستان

مواد برای ۸ جزای ۱۳۸۶ (۲۹ می ۲۰۰۷)
Materials for 29 May 2007 (8 Jawza 1386)

1. Sources and hierarchy of law in Afghanistan.

- (1) Constitution of the Islamic Republic of Afghanistan (2004).
- (2) International treaties and other instruments to which Afghanistan has obligated itself.
- (3) Islamic *Sharia* law. (Constitution, Art. 3—“No law shall contravene the tenets and provisions of the holy religion of Islam in Afghanistan.”)
- (4) Laws (including legislative decrees) are enacted under the applicable constitutional framework. (See Constitution, Art. 94—“Law shall be what both houses of the National Assembly approve and the President endorses.”)
- (5) Regulations (*muqararat*) (including those made by legislative decree) are usually enacted according to a law authorizing their establishment by a specific governmental ministry or agency, or court.
- (6) Rules or procedures, applicable to specific governmental ministry or agency, or a court, with respect to interaction of citizens and others with that ministry or agency, are usually established under the authority of a specific law or the ministry’s or agency’s charter or organizational law or regulation.
- (7) Internal rules or procedures (*tarzelema*), applicable within a specific governmental ministry or agency, or court, are usually established under the authority of the ministry’s or agency’s charter or organizational law or regulation. (According to the Ministry of Justice, these do not require the approval of the Council of Ministers or publication in the Official Gazette.)
- (8) Traditional, customary, or tribal law.

۱. منابع و سلسله مراتب قوانین در افغانستان

- (۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۰۴).
- (۲) معاهدات و دیگر اسناد بین المللی که افغانستان به آنها توافق نموده است
- (۳) شریعت اسلامی. (قانون اساسی، ماده ۳ — “در افغانستان هیچ قانونی نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.”)
- (۴) قوانینی که (بشمول فرامین تقنینی) بر مبنای چارچوب وضع شده مربوطه قانون اساسی بمیان می آید. (به ماده ۹۴ قانون اساسی توجه کنید — “قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد.”)
- (۵) مقررات (بشمول مقرراتیکه از طریق فرامین تقنینی بمیان می آید) معمولاً زمانی وضع میشوند که قانون به یک اداره، ارگان یا محکمه مشخص صلاحیت میدهد تا همچو مقررات را وضع نماید.
- (۶) اصول یا طرزالعمل های قابل تطبیق بالای بعضی از وزارتخانه ها یا اداره دولتی یا محکمه مشخص، در ارتباط به تعامل شهروندان و سایرین با آن وزارت یا اداره. این اصول یا طرزالعمل ها معمولاً بر مبنای صلاحیتی که از طرف یک قانون مشخص یا اساسنامه وزارت یا اداره یا قانون تشکیل یا مقرر آن داده میشود، بمیان می آید.
- (۷) اصول یا طرزالعمل های داخلی، که بصورت داخلی در یک وزارت، ارگان دولتی یا محکمه قابل تطبیق می باشد و معمولاً بر مبنای صلاحیتی که از طرف یک قانون مشخص یا اساسنامه وزارت یا اداره یا قانون تشکیل یا مقرر آن داده میشود، بمیان می آید. (به اساس گفته وزارت عدلیه، این نوع اصول یا طرزالعمل ها نیاز به تأیید و منظوری شورای وزیران یا نشر در جریده رسمی ندارد.)
- (۸) قانون عرفی، سنتی یا قبیلوی.

2. International law.

(1) Types of international instruments:

- 1 – **Bilateral and multilateral.** A treaty or other instrument is “bilateral” if it is made between only 2 states and is “multilateral” if it is made between more than 2 states and/or international organizations.
- 2 – **Treaty.** The term “treaty” may be used a generic term for an international instrument. However, an instrument designated as a “treaty” is usually reserved for matters of some gravity that require more solemn agreements.
- 3 – **Agreement.** The term “agreement” is often used in a sense that is less formal than a “treaty” and for a narrower range of subject-matter than a treaty. The term is often used to distinguish between a “treaty” that sets a framework for additional, subsidiary “agreements”.
- 4 – **Convention.** The term “convention” is a generic term for an international instrument, but is generally used for formal multilateral treaties with many parties. A convention is normally open for participation by any state. Instruments established under an international organization are usually entitled conventions.
- 5 – **Protocol.** The term “protocol” is an agreement that is less formal than a “treaty” or a “convention”. An “optional protocol” to a treaty establishes additional rights and obligations under the treaty. A “protocol to amend” may be used to amend provisions of a previous treaty.

۲. قوانین بین المللی

- ۱ – انواع اسناد حقوقی بین المللی:
 - ۱ – دو جانبه و چند جانبه. یک پیمان یا سند حقوقی زمانی "دوجانبه" گفته میشود که فقط بین دو کشور منعقد شود و اگر بین بیشتر از دو کشور و/یا سازمان بین المللی منعقد شود، آنرا پیمان "چند جانبه" می نامند.
 - ۲ – **معاهده.** واژه "معاهده" را میتوان منحیث یک اصطلاح کلی برای یک سند حقوقی بین المللی استفاده نمود. اما با آنهم، سند حقوقی ایکه بشکل "معاهده" ساخته میشود، معمولاً برای موضوعات دارای ثقل و اهمیت تخصیص داده میشود که نیاز به توافق جدی دارد.
 - ۳ – **موافقت نامه.** واژه "موافقت نامه" غالباً به این مفهوم استفاده میشود که نسبت به "معاهده" کمتر رسمی بوده و برای سلسله موضوعات نسبتاً کم اهمیت تر نسبت به "معاهده" بکار میرود. این اصطلاح غالباً برای تفکیک میان "معاهده" استفاده میشود که چارچوب معینی را برای "موافقت نامه" های فرعی اضافی تعیین میکند.
 - ۴ – **کنوانسیون.** واژه "کنوانسیون" یک اصطلاح کلی بوده که برای سند بین المللی بکار میرود، اما عموماً برای معاهدات رسمی چند جانبه ایکه در آن چندین طرف دخیل میباشند، بکار میرود. کنوانسیون معمولاً برای مشارکت سایر کشور ها باز می باشد. اسناد حقوقی ایکه توسط یک سازمان بین المللی ساخته میشود، غالباً بنام کنوانسیون یاد میشود.
 - ۵ – **پروتوکول.** واژه "پروتوکول" عبارت از موافقت نامه است که نسبت به "معاهده" یا "کنوانسیون" کمتر رسمی است. "پروتوکول اختیاری" مربوط به یک معاهده حقوق و وجایب اضافی ای را بر مبنای احکام معاهده بمیان میآورد. "پروتوکول تعدیل" ممکن است برای تعدیل احکام یک معاهده قبلی مورد استفاده قرار گیرد.

- ۶ - **اعلامیه.** واژه "اعلامیه" معمولاً زمانی بکار میرود که اطراف قضیه قصد دارند تا آرمان ها و اهداف خود را اعلام نمایند اما مکلفیت های لازمی حقوقی را ایجاد نمی نمایند. اما در بعضی شرایط، اعلامیه میتواند الزامی باشد. (به خاطر داشته باشید که "بیانیه" تفسیری ممکن است از طرف یک کشور بمنظور تفسیر یا شرح یک ماده یا موضوع مندرج معاهده که آن کشور بدان ملحق شده است، بمیان آید..
- ۷ - **اساسنامه.** واژه "اساسنامه" زمانی بکار برده میشود که سازمان های بین المللی ایجاد شود.
- ۸ - روش های پذیرش موافقت بین المللی:
- ۱ - **تصدیق.** واژه "تصدیق" عبارت از عملی است که یک کشور رضایت نشان میدهد که به احکام یک معاهده ملزم باشد. (به کنوانسیون وینا پیرامون قانون معاهدات مراجعه نمایید (۱۹۶۹)، ماده ۲(ب)، ۱۴(۱) و ۱۶).
- ۲ - **امضای مشروط به تصدیق.** در افغانستان، زمانیکه رئیس جمهور (یا مقام با صلاحیت دیگر) بالای یک معاهده یا سند بین المللی امضاء میکند، قبل از آنکه افغانستان ملزم به مراعات احکام آن معاهده گردد، شورای ملی باید عمل رئیس جمهور را تصدیق نماید. در این صورت، امضای رئیس جمهور "مشروط به تصدیق شورای ملی" میگردد. ولی با آنها، بعد از امضای معاهده الی زمانیکه تصدیق یا فسخ الحاق آن معاهده، کشور امضاء کننده مکلف است از اعمالی که مخالف اهداف و مقاصد معاهده باشد، اجتناب نماید. (به ماده ۹۰ (۵) قانون اساسی و کنوانسیون وینا در مورد قانون معاهدات (۱۹۶۹)، ماده ۱۰ و ۱۸ مراجعه نمایید..
- 6 - **Declaration.** The term "declaration" is often used if the parties intend to declare certain aspirations but not to create legally binding obligations. Declarations may, however, be binding in certain circumstances. (Note that an interpretive "declaration" may be made by a state to interpret or explain a provision or matter in a treaty to which the state is a party.)
- 7 - **Charter.** The term "charter" is used when establishing international organizations.
- (2) Methods of acceptance of international treaties:
- 1 - **Ratification.** The term "ratification" means the act by which a state consents to be bound to a treaty. (See Vienna Convention on the Law of Treaties (1969), Arts. 2(1)(b), 14(1), and 16.)
- 2 - **Signature subject to ratification.** In Afghanistan, when the President (or another designated official) signs a treaty or other international instrument, the National assembly must ratify the President's action before Afghanistan is bound by the treaty. In this case, the President's signature is made "subject to ratification" by the National Assembly. However, this creates an obligation to refrain from acts that would defeat the object and purpose of the treaty. (See Constitution, Art. 90(5), and Vienna Convention on the Law of Treaties (1969), Arts. 10 and 18.)

- ۳ - **الحاق.** واژه "الحاق" عبارت از عملی است که ذریعه آن یک کشور در یک معاهده که قبلاً توسط کشورهای دیگر مورد مذاکره قرار گرفته و امضاء شده است، عضو میگردد و معمولاً زمانی صورت می گیرد که معاهده نافذ گردیده باشد. الحاق دارای عین مکلفیت حقوقی ای است که عملیه تصدیق آن را بیار میاورد. (به کنوانسیون ویانا در مورد قانون معاهدات (۱۹۶۹)، ماده ۲(۱) (ب) و ۱۵ مراجعه نمایید.)
- ۴ - **بیانیه تفسیری.** واژه "بیانیه تفسیری" عبارت از بیانیه است که توسط یک کشور در ارتباط به فهم و تفسیر آن کشور در مورد یک حکم یا موضوع مشخص صادر میشود. بیانیه تفسیری بالای تأثیرات حقوقی یک معاهده در ارتباط به کشوریکه همچو بیانیه تفسیری را صادر میکند، هیچ نوع محدودیت یا تعدیلی را بمیان نمی آورد.
- ۵ - **تحفظ یا قید تحدید تعهد.** واژه قید تحدید تعهد یا تحفظ به این معناست که یک کشور از طریق یک بیانیه مدعی میشود که تأثیرات حقوقی ماده مشخص یک معاهده را که این کشور بدان ملزم است، تغییر میدهد. تحفظ نمیتواند در مغایرت با اهداف و مقاصد معاهده باشد. تحفظ همچنان باید محدودیت هایی را که در خود معاهده ذکر شده است، مراعات نماید. (لطفاً به کنوانسیون ویانا در مورد قانون معاهدات (۱۹۶۹)، ماده ۲(۱) (د) و ۱۹-۲۳ مراجعه نمایید.)
- ۶ - **اعتراض.** واژه "اعتراض" زمانی بکار میرود یکی از کشورهای طرف در یک معاهده علیه بیانیه تفسیری یا تحفظی که توسط کشور دیگر صادر شده باشد، اعتراض نماید. (به کنوانسیون ویانا در مورد قانون معاهدات (۱۹۶۹)، ماده ۱۹-۲۳ مراجعه نمایید.)
- (۲) اسناد مهم حقوقی بین المللی برای افغانستان بدان ملزم است:
- ۱ - منشور ملل متحد (سان فرانسسکو، ۲۶ جون ۱۹۴۵)
- ۲ - کنوانسیون ویانا در مورد قانون معاهدات (ویانا، ۲۳ می ۱۹۶۹)، که به تاریخ ۱۹۶۹/۰۵/۲۳ توسط افغانستان به امضاء رسید.
- 3 - **Accession.** The term "accession" means the act by which a state becomes a party to a treaty already negotiated and signed by other states, usually after the treaty has entered into force. Accession has the same legal effect as ratification. (See Vienna Convention on the Law of Treaties (1969), Arts. 2 (1) (b) and 15.)
- 4 - **Declaration.** The term "declaration" means a statement made by a state with respect to the state's understanding or interpretation of a particular provision or matter. A declaration does not limit or modify the legal effect of a treaty with respect to the state making the declaration.
- 5 - **Reservation.** The term "reservation" means a statement by a state by which the state claims to exclude or change the legal effect of a certain provision of a treaty to which the state is bound. A reservation cannot be incompatible with the object and purpose of the treaty. A reservation must also comply with any limitations on reservations in the treaty itself. (See Vienna Convention on the Law of Treaties (1969), Arts. 2 (1) (d) and 19-23.)
- 6 - **Objection.** The term "objection" is used when a party state to a treaty objects to a declaration or reservation made by another state. (See Vienna Convention on the Law of Treaties (1969), Arts. 20-23.)
- (3) Some important international instruments for Afghanistan:
- 1 - Charter of the United Nations (San Francisco, 26 June 1945). See Constitution, Art. 7.
- 2 - Vienna Convention on the Law of Treaties (Vienna, 23 May 1969), signed by Afghanistan 1969/05/23.

- ۳ - اعلامیه جهانی حقوق بشر. اعلامیه جهانی حقوق بشر (نیویارک، ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸). به ماده ۷ قانون اساسی مراجعه نمایید.
- ۴ - [اعلامیه قاهره پیرامون حقوق بشر در اسلام. (قاهره، ۵ اگست ۱۹۹۰).]
- ۵ - کنوانسیون امحای تمام اشکال خشونت علیه زنان [CEDAW] (نیویارک، ۱۸ دسمبر سال ۱۹۷۹) که بتاريخ ۱۹۸۰/۰۸/۱۴ توسط افغانستان به امضاء رسید و به تاریخ ۲۰۰۳/۰۳/۰۵ توسط شورای ملی تصدیق گردید.
- ۶ - کنوانسیون بین المللی امحای تمام اشکال تبعیض نژادی (نیویارک، ۷ مارچ ۱۹۶۶)، الحاق افغانستان به آن در ۱۹۸۳/۰۷/۰۶ (همراه با تحفظ و بیانیه تفسیری).
- ۷ - میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (نیویارک، ۱۶ دسمبر، الحاق افغانستان به آن در ۱۹۸۳/۰۱/۲۴) (همراه با بیانیه تفسیری).
- ۸ - قرارداد بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نیویارک، ۱۶ دسمبر ۱۹۶۶)، الحاق افغانستان به آن در ۱۹۸۳/۰۱/۲۴ (همراه با بیانیه تفسیری).
- ۹ - کنوانسیون حقوق طفل (نیویارک، ۲۰ نومبر سال ۱۹۸۹) که بتاريخ ۱۹۹۰/۰۹/۲۷ توسط افغانستان به امضاء رسید (همراه با بیانیه تفسیری، به تاریخ ۱۹۹۴/۰۳/۲۸ تصدیق گردید. و ۲ پروتوکول اختیاری به این کنوانسیون علاوه گردیده است.
- 3 - Universal Declaration of Human Rights. Universal Declaration of Human Rights (New York, 10 December 1948). See Constitution, Art. 7.
- 4 - [Cairo Declaration of Human Rights in Islam (Cairo, 5 August 1990).]
- 5 - Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women [CEDAW] (New York, 18 December 1979), signed by Afghanistan 1980/08/14, ratified 2003/03/05.
- 6 - International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (New York, 7 March 1966), accession by Afghanistan 1983/07/06 (with reservation and declaration).
- 7 - International Covenant on Civil and Political Rights (New York, 16 December 1966), accession by Afghanistan 1983/01/24 (with declaration).
- 8 - International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (New York, 16 December 1966), accession by Afghanistan 1983/01/24 (with declaration).
- 9 - Convention on the Rights of the Child (New York, 20 November 1989), signed by Afghanistan 1990/09/27 (with declaration), ratified 1994/03/28. And 2 optional protocols to the convention.

مواد برای ۹ جزای ۱۳۸۶ (۳۰ می ۲۰۰۷)
Materials for 30 May 2007 (9 Jawza 1386)

3. Legislative review and oversight.

- (1) Methods of legislative (National Assembly) oversight over the Government (and the Supreme Court).
 - 1 – Constitutional provisions.
 - 2 – Reports to the National Assembly required by law.
 - 3 – Hearings with Government officials as witnesses.
- (2) Legislative reports, explanations, or justifications.
 - 1 – When are legislative reports, explanations, or justifications required in Afghanistan?
 - 2 – What is their purpose?
 - 3 – Who is the intended audience?
 - 4 – What information is (or should be) included?
 - 5 – How are they written or prepared?
- (3) Reporting provisions in legislation.
 - 1 – What are reporting provisions and why are they used?
 - 2 – How to draft a reporting provision. What needs to be specified in a reporting provision?
 - (a) Who submits the report.
 - (b) To whom the report is submitted.
 - (c) When and how often the report must be submitted.
 - (d) What information the report must include.
 - 3 – Examples of reporting provisions.
- (4) Legislative hearings:
 - 1 – When is a hearing needed? What are appropriate subjects for legislative hearings?

۳. بازبینی و نظارت تقنینی

- (۱) شیوه های نظارت تقنینی (شورای ملی) بالای دولت (و ستره محکمه).
 - ۱ – احکام مربوط به قانون اساسی.
 - ۲ – گزارشاتی که بمقتضای قانون باید به شورای ملی ارائه شود.
 - ۳ – استماع در موجودیت مقامات رسمی دولت بحیث شاهد.
- (۲) گزارشات، تشریحات یا توجیحات تقنینی.
 - ۱ – در افغانستان چه وقت به گزارشات، توضیحات یا توجیحات تقنینی ضرورت احساس پیدا میشود؟
 - ۲ – هدف از آنها چیست؟
 - ۳ – مخاطبین مورد نظر کی ها اند؟
 - ۴ – چه نوع معلومات باید در آن درج گردد؟
 - ۵ – این گزارشات چگونه تحریر یا ترتیب میشوند؟
- (۳) احکام گزارشدهی در اسناد تقنینی
 - ۱ – احکام گزارشدهی کدام ها اند و چرا از آن استفاده بعمل میاید؟
 - ۲ – چگونه میتوان احکام گزارشدهی را تسوید نمود، کدام نیازمندی ها باید در احکام گزارشدهی مشخصاً تذکره داده شود؟
 - (الف) گزارش را چه کسی ارائه می کند.
 - (ب) گزارش به چه کسی ارائه میگردد.
 - (ج) گزارش چه وقت و چند بار باید ارائه گردد.
 - (د) کدام معلومات باید در گزارش شامل گردد.
 - ۳ – مثال های احکام گزارشدهی.
- (۴) استماع تقنینی:
 - ۱ – چه وقت به استماع ضرورت پیدا میشود؟ موضوعات مناسب برای استماع تقنینی کدامها اند؟

- | | |
|--|--|
| <p>2 – Constitutional right of the National Assembly to call Government ministers to participate in its sessions (and constitutional right of ministers to participate). See Article 103 of the Constitution.</p> <p>3 – Witnesses.</p> <p>(a) Calling witnesses to testify. Informing witnesses of the information the hearing will seek to learn from each witness.</p> <p>(b) Preparing for a hearing (as a Member of the National Assembly or as legislative staff).</p> <p>(c) Preparing to testify at a hearing (as a witness).</p> <p>4 – Announcing hearings. Hearings open to the public? Is there some special need for a closed-door hearing? What circumstances might justify a closed-door hearing?</p> <p>5 – Maintaining records of hearings. Public availability of hearing records. See Article 50 of the Constitution.</p> | <p>۲ – حقی که بر مبنای قانون اساسی به شورای ملی داده شده است تا وزرای دولت را جهت حضور در جلسات این شورا طلب نماید (و حق قانونی وزراء برای مشارکت). به ماده ۱۰۳ قانون اساسی مراجعه نمائید.</p> <p>۳ – شاهدان.</p> <p>(الف) دعوت از شاهدان برای گواهی دادن. آگاه ساختن شاهدان در مورد معلوماتی که قرار است در جلسه استماع از هر شاهد خواسته شود.</p> <p>(ب) آمادگی برای استماع (منحیث عضو شورای ملی یا منحیث کارمند در بخش امور تقنینی).</p> <p>(ج) آمادگی برای شهادت دادن در استماع (منحیث شاهد).</p> <p>۴ – اعلان استماع. آیا جلسات استماع علنی خواهد بود؟ آیا به استماع عقب دروازه های بسته ضرورت است؟ موجودیت کدام شرایط میتواند استماع عقب دروازه های بسته را توجیه کند؟</p> <p>۵ – حفظ اسناد جلسات استماعی. نحوه دسترسی عامه به اسناد استماع. ماده ۵۰ قانون اساسی را مشاهده نمائید.</p> |
|--|--|

4. Amendments in committees and the plenary of the National Assembly (and in the U.S. Congress).

- (1) Form, type, and “degree” of amendments.
- (2) Amendments in committee.
- (3) Amendments in the plenary.

۴. تعدیلات در مجلس شورای ملی و کمیته ها (و کانگرس ایالات متحده).

- (۱) شکل، نوع، و “درجه” تعدیلات.
- (۲) تعدیلات در کمیته.
- (۳) تعدیلات در مجلس شوری.